

## وضع اقتصادی ما

ایران دارای وضع طبیعی است که اگر بطور علمی بآن رسیدگی و آباد شود هیچکس نباید در مملکت پریشان باشد ولی بدبختانه جامعه ما، دولت‌های ما و مجلس‌های ما هیچوقت حاضر نبودند مملکت را از نقطه نظر علمی مطالعه کرده و قضایا را الهم فی الهم عمل کنند. این عدم مطالعه هم يك علت عمیق دارد و آن این است که جامعه معتقد بعلم نبوده و هنوز هم نیست و هر دفعه هم که دولت خواسته است علمی عمل کند و متخصص آورده است اغلب بی‌تخصص بودند. برای اثبات آنچه بالا گفتیم یکی دو مثال ذکر میکنیم که خودم در آن مداخله داشتم تا خواننده قانع شود که اصل بدبختی اقتصادی کشور همان است که در بالا گفته شد.

مثل اول - در ۸ سال قبل موسسه تجارنی بدولت پیشنهاد کرد که حاضر است بایول خود و بحساب خود کارخانه سیمانی در حدود بروجرذ تأسیس کند که سالی سی هزار تن سیمان تهیه کند و بعد از اینکه این موسسه ۷۵/۰۰۰ تن سیمان از قرار هر يك تن ۲۷۵ ریال فروخت کارخانه مجاناً و بلاعوض مال دولت بشود بشرط اینکه مؤسسه حق داشته باشد در مدت سه سال یازده میلیون فرانک ارز از مملکت خارج کند تا سرمایه و منافع خود را برده باشد - ماه‌ها این پیشنهاد مورد مطالعه واقع شد تا روزی از طرف کمیسیون مطالعه این‌طور اظهار عقیده شده که مؤسسه دیگری پیشنهاد کرده است که حاضر است همان کارخانه را باده میلیون فرانک به پول دولت تأسیس نماید و بنابراین پیشنهاد موسسه اول را کمیسیون بملت گرانی رد میکند - این کمیسیون مطالعه بقدری شورنداشت تشخیص بدهد که از دو پیشنهاد، اولی بر مراتب بهتر بود چون اولی بایول غیر ایجاد کار و ثروت میکرد و دومی محتاج به سرمایه دولت بود - نتیجه این شد که دولت کارخانه را تأسیس نکرد و به موسسه پیشنهاد دهنده هم اجازه داده نشد و از آن روز تا امروز اقلای پنجاه میلیون و بلکه بیشتر برای خرید سیمان دولت بخارجه پول داده است اگر ترازنامه این يك مثال را بخواهیم ببینیم این‌طور میشود:

۱ - ایران يك کارخانه سیمان میتواند داشته باشد که سالی ۳۰ هزار تن سیمان بدهد و ندارد.  
 ۲ - اقلای ۳۰۰ نفر یعنی نمان آور ۴۰۰ خانوادگی می‌توانستند کار منظم داشته باشند و ندارند.

۳ - مبلغ زیادی پول کشور برای خرید سیمان بخارجه رفته و هر سال هم میرود.

۴ - چون بقدر کافی سیمان در کشور نبوده قیمت سیمان بجای ۲۷۵ ریال بتن بالغ بر

۱۰۰۰ ریال شده.

ساختمان ها نگران تمام شده و کمتر ساخته شده قیمت اجاره بالا رفته و در سطح زندگی مؤثر شده.

مثال دوم - قبل از شهریور ۱۳۲۰ دولت میخواست در خوزستان کارخانه نی شکر بسازد اعلان مناقصه داده شد و دو پیشنهاد رسید اولی مطابق دفتر مشخصاتی بود که وزارت پیشه و هنر تهیه کرده بود و دومی از يك مؤسسه دیگری بود که سابقه زیادی در ساختن کارخانه نی شکر داشت و در این پیشنهاد توضیح داده شده بود که دفتر مشخصات وزارتخانه مخلوطی است از ماشین آلات کارخانه قند، چغندر و کارخانه قند نی شکر و اگر با آن مشخصات کارخانه تأسیس شود هم غلط بوده و هم قیمت آن در حدود یکصد هزار لیره گران خواهد بود و مؤسسه حاضر است کارخانه بدولت بفروشد و همه گونه هم تضمین بدهد که همان مقدار شکر که دولت میخواهد داشته باشد، این کارخانه تهیه کند و کارخانه هم مطابق اصول علمی جدید باشد.

این پیشنهاد یکصد هزار لیره از پیشنهاد اولیه ارزاتر بود ولی وزارتخانه آنرا رد کرد و بایشهاد دهنده اولی معامله کرد. چون پیشنهاد مطابق دفتر مشخصات وزارتخانه نبوده و حاضر نشد ایرادات وارده را مطالعه کند حد اقل ضرر این کار یکصد هزار لیره است که قیمت روز معامله در بازار آزاد در حدود بیست ملیون ریال بود و روزی که کارخانه ساخته شد هم گران و هم مطابق اصول علمی نخواهد بود روی همین عدل مطالعه علمی درسه سال اخیر بیجهت زندگی خیلی بالا رفت و ما خودمان در نتیجه بی اطلاعی و بی فکری قوه خرید پول خودمان را پائین آورده اسباب زحمت مملکت شدیم. برای اثبات این مطلب کافی است دقتی در سطور زیر بشود.

یکی دو ماه بعد از قضایای شهریور من پیش بینی کردم که یکی از مشکلاتی که در پیش داریم تهیه پوشاک نسبتاً ارزان برای توده خواهد بود و در اسفند ۱۳۲۰ پیشنهادی بوزارت پیشه و هنر کردم که خلاصه آن از این قرار بود:

- ۱ - جمع کردن کارخانه های نخ ریزی و پارچه بافی دولتی و واگذار کردن بهره برداری آن به يك سندیکای تجارتي که حداکثر تولید را تامین نماید.
- ۲ - جمع کردن نمایندگان تمام کارخانه های ملی و مطالعه برای تولید پارچه استاندارد ارزان و اجبار کردن کارخانه ها که ۸۰ درصد تولید خود را باین قبیل پارچه تخصیص دهند.
- ۳ - واگذاری تمام این پارچه ها به يك مؤسسه تجارتي که آن را باه در صد مناقع در کشور تقسیم نماید.
- ۴ - کمک برای تأسیس کارخانه های پارچه بافی دستی در ایالات پشم خیز روی اصولی که در فزویین مؤسسه کور اغلی عمل کرده و بسیار مفید واقع شده.
- ۵ - تقسیم پنبه به کرباس بافی ها برای تهیه کرباس که یکی از مواد اولیه پوشاکزارمین ایرانی است.

این پیشنهاد مثل خیلی از پیشنهاد دیگر بلا اثر ماند و فقط نتیجه آن يك مشت تعریف و تملق شد که آقایان وزراء یکی بعد از دیگری بمن تحویل دادند در صورتیکه اگر عمل باین

پيشنهاد شده بود يكمتر كرباس نميبايستي بيش از ده ريال قيمت داشته باشد و چون رفع احتياج توده ميشد قيمت قماش بطري ده و ۱۲ تومان نميرسيد و همچنين پارچه هاي درجه دوم يشمي كه در آن موقع مطري پنجاه و شصت ريال بود به سيصد و چهار صد ريال نسي رسيد و كرباس مطري پنج تومان نميشد .

خلاصه دولت هاي ما از هر گونه ابتكار و فكر جديد وحشت دارند و هر كسي وزير ميشود فقط فكرش اين است كه وضعيت موجود را حفظ كند و ضمناً چند نفر دوست و رفيق را كار بدهد يا «رفرم» را در اين ميدانند كه يك يا چند اداره جديدي تاسيس كند .

پس اولين قدمي كه بايد برداشته شود تشكيل يك مركز علمي اقتصادي خواهد بود كه مطالب را مطالعه و راهنماي دولت بشود و دولت هم اتلاً اخلاقاً مجبور بيروي از آن باشد - بهمين علت در ۷ ماه قبل بدولت پيشنهاد تشكيل شوراي اقتصادي را كردم - اين پيشنهاد باحضور عده از آقايان مطلع رسيدگي برنامه تشكيلات آن نيز تهيه شد ، ولي براي تاسيس آن بدبختانه اقدامي نشد .

هر كس بايد بداند يا ميتوان گفت همه ميدانند كه هر كاري يول ميخواهد اشخاصي كه فرياد تعليم عمومي و بهداشت عمومي راميزنند اغلب فكر اينرا نميكنند كه اول بايد سطح مالي كشور را بالا برد تا بتوان مدرسه و طبيب ودوا داشت

براي بالا بردن سطح مالي كشور دو راه داريم :

اولي - ترقی زراعت كشور كه عامل اصلي آن تهيه آب است و ديگري استفاده از دارائي تحت الارضي مملكت است كه بسيار قابل توجه و معقول است .  
اما راه عملي كردن آنها ؟

اين راه منحصر ب يك راه سياست اقتصادي است و آن آزادي عمل است ب اين معني كه هيچ قانوني و هيچ مقررات دولتي نبايد باشد كه از ابتكارشخصي ايراني جلوگيري نمايد و دولت هم نبايد مداخله كرده و زحمت مردم را فراهم آورد بلكه بگانه مداخله دولت بايد نظارت (پليس) در عمل باشد مثلاً اگر كسي ميخواهد سدي بسازد يا اگر كسي ميخواهد معدني را استخراج كند بايد كاملاً آزاد باشد و محتاج بهيچگونه اجازه نباشد اين سياست اقتصادي بوده است كه بزرگوازي امروز امريكاي را بوجود آورده است - وزراء و رؤساي ادارات عوض حسادت احقرانه كه مبادا فلان شخص كه فلان پيشنهاد را كرده است از آن كار دارا بشود برعكس بايد همه نوع تشويق نمايند كه مردم ايجاد كار بكنند چون كاراست كه ايجاد دارائي ميكند و وقتی گفته ميشود فلان كشور متمول است يعني در آن كشور كار زياد است و وقتی گفته ميشود كارگر امريكائي نسبت بكارگر ايراني زندگي شاهانه دارد دليلش اينست كه كار و كار خوب در امريكا زياد است .

ايراني عاقل است ، كشور را امن كنيد - ايراني را آزاد بگذاريد و در كار هاي جديد تشويقش كنيد ، كشور را خودش آباد ميكند و محتاج بدخالت دولت نخواهد بود نه آنكه در هر كاري كه دولت دخالت بكنند يا دولت اداره ميكند در نتيجه بضرر كشور تمام ميشود و اگر براي اثبات اين موضوع دليل ميخواهيد بسطور زيردقت فرمائيد ،

دو سال قبل ، شرق نزديك در نتيجه بسته بودن راه ايطاليا احتياج زيادي بگوگرد داشت فقط ايران بود كه ميتوانست باساني آن را تهيه كند دولت ايران هم معدن گوگرد سمنان را

در دست داشت روزی من اداره معادن مراجعه و تقاضای صد تن گوگرد کردم جواب گفتند نداریم سؤال کردم چرا توضیح دادند که در اردیبهشت ماه (صحبت من در آخر سال بود) از وزارت دارائی تقاضای صد هزار ریال تنخواه گردان کرده ایم تا بحال نداده اند و کار نکردیم آن روز گوگرد ۲۰۰ درصد نفع داشت و اگر این معدن شخصی بود تمام احتیاجات خاور نزدیک را رفع و مبالغ هنگفتی ثروت وارد کشور میکرد یعنی خاک گوگرد که در ایران خیلی فراوان است و زحمت کارگر ایرانی را تبدیل بیول میکرد و قوه مالی کشور را بالا میبرد.

مثال دیگر - در چند سال قبل مرحوم داور تصمیم گرفت که دولت بھر کنس که تقاضای اراضی در خوزستان بشاید اجازه داده شود آنچه میتواند آباد کند، ولی مأمورین دولت بقدری برای مردم با ابتکار اشکال تراشی کردند که این تصمیم عاقلانه بنتیجه نرسید و اگر دولت دخالت نکرده بود نظر بامنیتی که در آن موقع در خوزستان وجود داشت مقدار زیادی آبادی شده بود.

معروف است و همه میدانند که در نتیجه بالا رفتن قیمتها از یکطرف و ترقی تقاضا از طرف دیگر کارخانه های نخریسی و پارچه بافی (از هر رقم) در سه سال اخیر منافع هنگفتی بردند یعنی چندین مرتبه سرمایه خود را استهلاک کردند. دولت بزرگترین کارخانه های ایران است و بنابراین میبایستی او هم چنین منافعی برده باشد ولی برعکس دولت ضرر کرده است فقط در سال گذشته ضرر کارخانه های متعلق بدولت از دو بیست میلیون ریال تجاوز نموده در صورتیکه در بعضی متاع دولت یگانه تولید کننده است و رقیب ندارد مثل پارچه ابریشم و نخ مرسریزه و بنابراین میبایستی چندین صد میلیون در سال نفع کرده باشد - چون صحبت از پارچه ابریشم شد بی جا نخواهد بود اگر يك قلم ضرر دولت را بخواننده توضیح بدهم :

امروز دولت بیش از يك میلیون متر پارچه ابریشمی دارد که در مدت دو سال اخیر تهیه کرده و فروخته است فروش این پارچه در موقع مال را بی بازار نیاوردند و چون تقاضا زیاد بود بازرگانان از خارجه ابریشم مصنوعی وارد کرده و قیمت زیاد فروختند و بازار تنزل کرد و امروز این مال بیش از ۱۵۰ ریال یعنی نصف قیمت سال گذشته وصول نخواهد کرد و بلکه هم کمتر چون آخر چنگ نزدیک است و بازار پارچه ابریشم هم هر روز تنزل خواهد کرد.

از مجموع مطالب بالا اینطور نتیجه میگیریم که اصول سیاسی اقتصادی ایران باید آزادی مطلق و عدم مداخله دولت در اقتصادیات باشد.

در خانه ناگفته نماند که بعضی موضوعهای مخصوص و محدودی هست مثل تخم نوغان یا نفت که توضیح آن از حدود این مقاله خارج است و خواه نخواه از نقطه نظر صلاح کشور باید تحت نظر دولت باشد.